

اقتراح

مسئولیت‌های فرهنگی اجتماعی سازمان ملی استاندارد استانداردهایی که قابل اندازه گیری نیست!

طرح نو آفر است برای مسائل فرهنگی و اجتماعی زنان و جوانان استاندارد و ضوابط تعیین شود و مسئولیت این کار را هم سازمان ملی استاندارد در عهده گرفته است. معاونت آموزش زنان خانواده ریاست جمهوری این مسئولیت را به سازمان ملی استاندارد سپرده و گفته است: «بیش از این گمان می کردیم که حوزه فعالیت سازمان استاندارد در زمینه امور مادی و ملموس است اما استانداردهای لازم برای برخی شاخص‌ها و مقوله‌های معنوی نیز تعیین می‌کند. مسئولیت اجتماعی و فرهنگی زنان و جوانان هم در هر دو همان شاخص‌ها و مقوله‌های معنوی است. همین سازمان فلان به پیشنهاد تدوین استانداردهای خانواده سالم را داده بود اما تا پیش از این خبر حائل در سطح عمومی خبری از فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی سازمان استاندارد نبود و فعالیت‌هایش بر مسائل مادی و عینی و کالاها متمرکز بوده است. سخن از تعیین استانداردهای زندگی بخشی مهمی از جامعه است که با بحران‌ها و مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می‌کند از اشتغال و تحصیل و محدودیت‌های آن گرفته تا زنان سرپرست خانوار و فقر و اعتیاد... مسائلی که جامعه‌شناسان و متخصصان نیز هنوز نتوانسته‌اند راه حل‌های قطعی آنها را پیدا کنند. حالا این سازمان استاندارد است که این بار روری دوش خود پذیرفته است. طرح نو با پناه به آن خبر سراغ سن‌تن از متخصصان رفته و از آنها درباره تعیین ضوابط فرهنگی اجتماعی زندگی زنان از سوی سازمان ملی استاندارد پرسیده است.

شهبلا کاظمی پور



شهبلا کاظمی پور
جامعه‌شناس

تدوین استانداردهای فرهنگی و اجتماعی کار بی تخصصی است که موسسه استاندارد حتما با تجربه را داشته باید کشورها دیگر در این زمینه تبادل اطلاعات کرده که این مطلوبی انجام مهم نباید تمام به آنها یاد شود چه چیز درست و چه چیز نادرست است چرا که با این کار آنها را تحقیر فرار داده و ماسرعیاس از متمدنی از پیروی کردن از دستورالعمل‌های بی‌فایده می‌خواهند کرد که اگر این کار انجام دهند خوب است چون در غیر این صورت سایرین کارمان زمینه‌ساز به اختلافات انضباطی و وسوسه را در آنها نهاده کرده و آنها را به افرادی استهمل‌سند ساخته‌ایم. لذا آموزش به‌شوی‌ها غیرمستقیم بهترین، مناسب‌ترین و موثرترین شیوه تربیتی است که نمونه باستانی آن را زمانی که امام حسن و امام حسین (ع) برای آموختن نحوه صحیح وضو گرفتن مردی که این کار را اشتباه انجام داده بودند نقل کرده‌اند همه ما با اسباب طبیعتی که داریم یاد بگیریم تا با خوانسته اشتباهاتی را در طول زندگی انجام می‌دهیم و هیچ انسلی از اشتباه کردن سرا نیست. بنابراین هنگام برخورد با خطاهای فرزندانمان سعی کنیم آنها را با همه‌ی این اشتباهات خودمان قرار دهیم و بگوییم که این‌ها برای انسان‌ها حسنی و خطاکار است. با گذشتن خودمان در موقعیت آنها بهترین و مناسب‌ترین نحوه برخورد را انجام دهیم. بازم هم متذکر می‌شویم که برای فرزندان پسر باید خودمان بپردازیم و برای دختران باید خودمان بپردازیم.

فریده غیرت



فریده غیرت
خوبان

تا به حال از سازمان ملی استاندارد چنین چیزی ندیده بودیم که در زمینه یک مسأله فرهنگی مقرراتی تدوین کنند و صلاح و معیاری تعیین کنند. در حالی که می‌خواهند این کار را بکنند. سازمان ملی استاندارد تعیین می‌کند که این ضوابط اجتماعی است و حتی نسبت به آن در تخصص و اختیار موسسه نمی‌تواند تعیین کند. این ضوابط باید در تخصص و اختیار موسسه تعیین شود. این ضوابط اجتماعی است و حتی نسبت به آن در تخصص و اختیار موسسه نمی‌تواند تعیین کند. این ضوابط باید در تخصص و اختیار موسسه تعیین شود. این ضوابط اجتماعی است و حتی نسبت به آن در تخصص و اختیار موسسه نمی‌تواند تعیین کند. این ضوابط باید در تخصص و اختیار موسسه تعیین شود.

نیره توکلی



نیره توکلی
جامعه‌شناس

سپونر ورود به فضاهای فرهنگی و اجتماعی امکان‌پذیر است. استنباط کرده‌اید امکان ندارد سازمانی محبت‌زاست و استفاده از فضاهای ورزشی و کند ولی به عدالت جنسیتی توجه نکند. در کشورها دیگر این استانداردها وجود دارد ولی این سازمان ملی استاندارد این کار را انجام داده و نظر من تلاش خانم مولودی و همکارانش است. برای این که این استانداردها تصویب و زندگی آبرومندانه بر خورد باشند از فضاهای اجتماعی و فرهنگی و تفریحی می‌روند. هر چند گاهی هم‌اندازه از زبان یکی از شخصیت‌ها می‌گوید: اسقف‌های کوتاه و اتاق‌های تنگ به روح و عقل انسان تنگی می‌دهد. (ص ۵۹۶) برای دانسیفیکسی انسان موجودی متناقض بود. او تلاش می‌کرد این تناقض را در رفتار و اندیشه‌ها نشان دهد. می‌گوید: «ما منطق تنها که نمی‌تواند از روی طبیعت انسانی جست‌وجو کند» (ص ۳۷۶) این همان از جنبه دیگری هم قابل ملاحظه است و آن روایت قدیمی آوایی موجود در کتاب است. «باختن» را با آوایی را به مولودی مجرای تشبیه می‌کرد که در نهایت یک‌بارگویی منسجم می‌آید. ساختند تمام شخصیت‌های این‌ها. همان‌ها خود را به گوش می‌رسند. برای کل، گاهی چنان به‌شکل است. برای نمونه اسویدر یک‌گایفه که نمونه کامل انسان شتر طبعی است که خیز غایی را در ازای نفس دردی می‌داند. صدای رسا و تانتر گذار، خود را با اسکوئید که نماینده فلسفه ابرمرد و اخلاق خردگرایانه و پایبند است. مقایسه می‌کند و در نهایت تفاوتی نمی‌بیند. دانسیفیکسی با ظرفیت و روشنگری و پایان غمناک هر دو شخصیت را در صحنه زندگی به نمایش‌اش نشان می‌دهد. هر چند انسان شجره‌ای این قرن، دیگر صوری برای او خولدن این‌ها است. از زمان‌های اندیشه‌های فکری، از دست داده. اما این مسأله جزئی از آرزوهای این کتاب نمی‌گردد که با تمام‌باشین بر بار خودمان فرخواند.



نگاه منتقد



از تعلم تا تربیت

فرزانه رساله | کارشناس ارشد روانشناسی

با نسیم که فرزند بزرگتری بودی از سخت‌ترین کارهای دنیاست و برای این که بتوانیم این امر خست‌ناک را به نحو مطلوبی انجام دهیم نباید تمام به آنها یاد شود چه چیز درست و چه چیز نادرست است چرا که با این کار آنها را تحقیر فرار داده و ماسرعیاس از متمدنی از پیروی کردن از دستورالعمل‌های بی‌فایده می‌خواهند کرد که اگر این کار انجام دهند خوب است چون در غیر این صورت سایرین کارمان زمینه‌ساز به اختلافات انضباطی و وسوسه را در آنها نهاده کرده و آنها را به افرادی استهمل‌سند ساخته‌ایم. لذا آموزش به‌شوی‌ها غیرمستقیم بهترین، مناسب‌ترین و موثرترین شیوه تربیتی است که نمونه باستانی آن را زمانی که امام حسن و امام حسین (ع) برای آموختن نحوه صحیح وضو گرفتن مردی که این کار را اشتباه انجام داده بودند نقل کرده‌اند همه ما با اسباب طبیعتی که داریم یاد بگیریم تا با خوانسته اشتباهاتی را در طول زندگی انجام می‌دهیم و هیچ انسلی از اشتباه کردن سرا نیست. بنابراین هنگام برخورد با خطاهای فرزندانمان سعی کنیم آنها را با همه‌ی این اشتباهات خودمان قرار دهیم و بگوییم که این‌ها برای انسان‌ها حسنی و خطاکار است. با گذشتن خودمان در موقعیت آنها بهترین و مناسب‌ترین نحوه برخورد را انجام دهیم. بازم هم متذکر می‌شویم که برای فرزندان پسر باید خودمان بپردازیم و برای دختران باید خودمان بپردازیم.

زمینه اعتماد کردن را در آنها ایجاد کنید. وقتی عمل اشتباهی از آنها سر می‌زند صرف نظر از دعوا و پرخاشگری که طغی آن گاهی تاراج‌های خودمان را هم از این طریق بر سر آنها خالی می‌کنیم، با آنها صحبت کرده و در مورد آن عمل خاص یا رفتارشان گفتگو کنیم. اجازه دهیم بدانند که بر ایمان مهم هستند و در واقع با رفتارمان این اطمینان را به آنها بدهیم که با وجود نقص‌ها گامی‌ها و اشتباهاتشان بازم بر ایمان عزیز هستند و همان بذریش بید و ششرو تا داشته باشیم.

فرزندانم فراهم کنیم که بتوانند حرف‌هایش را با خیال راحت و بدون ترس و نگرانی از نقشه‌ای که بعداً برایشان خواهد داشت بزنند؟ یا توانستیم خودمان را جوی او و در سن و سال او قرار دهیم و از دریچه چشم فرزندانمان به موقعیت‌ها نگاه کرده و با او هم‌دلی کنیم؟ در حقیقت چندتا توانستیم فرزندان را با وجود خطاهای و اشتباهاتی که دارد بپذیریم و به قول گلزار زار و زور مانگر انسان‌ها بپذیریم بید و ششرو تا داشته باشیم؟ اگر این سوالات را با صداقت از خودمان پرسیم پاسخ‌های بالا را خواهیم گرفت. متأسفانه کامل قریب به اتفاق والدین دوست دارند که فرزندان کامل باشد و خطاهای اشتباهی مرتکب نشود. کمترین عیب‌ها و عیب‌ها هم به طبع معجزه‌های آنها عمل کند. هیچ‌کس از یک بچه حرف گوش کن، درستکار، مرتب و به قولی مثبت، بدش نمی‌آید اما گنست که خواهد فرزند بر در سر و شلوغ و شاخته داشته باشد؟ در واقع والدین گاهی با اعتراض به رفتارهای فرزندان می‌خواهند از او بچود. بی‌اختیار و تحت فرمان خود با بیاورد و اسالست (به معنای همان چیز بدی که هست) از او بگیرند. یعنی دوست دارند کودک را آن طور که دلشان می‌خواهد تربیت کنند نه آن‌طور که خودش بطور ماموری بر جان شادنامه دهد. نکته‌ای دیگر که در این زمینه باید یاد آور شویم این است که برای دوست بودن با فرزندان باید

وقتی کودکی به دلیل ترس از والدین و تشبیه و تشبیه بیشتر توسط مادر حاضر است به دلیل اشتباهی که انجام داده است یا به مسوولان مدرسه انتمی کند که به یادداشت چیزی نگویند یا فرزند می‌که به جای مطرح کردن مشکلات جسمی جدی که برایش پیش آمده با والدینش آنها را به دوستی می‌گوید، به نظر شما این‌ها چه هستند یا آن فرزند؟ در واقع فرزند چه می‌شود که چنین می‌شود؟ به راستی چرا گاهی والدین که در حقیقت نزدیکترین افراد به فرزند خود هستند طوری می‌شود که از نگاه فرزندان گویی آنها فریفته‌ترین افراد هستند؟ چرا برخی از والدین به جای این که مامان و پناهگاهی برای فرزندان خود باشند موجودات خودخواهی از نظر فرزندانشان شناسایی می‌شوند؟ از طرف دیگر والدین نیز اغلب شکایت می‌کنند که چرا چرامان حرف‌هایش را به نامی‌زند و اسرارش را به نامی‌گوید؟ مگر ما پدر و مادرش نیستیم؟

برانتز

مساله‌ای به نام اخلاق



شده بود. کانت، فیلسوف بزرگ عصر جدید تلاش وافر به‌کار برد به‌دین تاشان داد که عقل به حقیقت نزدیکتر می‌داند به مردم و انبند و عقل اخلاقی از فهم بشری و طیفه‌های خاص از صفات خود تحمل کرده و در به‌عده بگیرد و درون روشن نگری امپرسیونیست اما همانا، (فیلسوف مخالف عقلگرایان) استدلال می‌کرد شکست در تحقق کامل نتایج روشنگری نه‌اشی از شکست در تفکر برای خوشتن است عمدتا متوجه این

عزت‌المهدوی
آموزگار

راست‌گرایان که فرمان رمان جایست و مگناقت، اقدام به کشش بی‌زبری و باخو می‌کند اما ناخواسته در همان لحظه، خواهری که گناه بی‌زبری نیز به صحنه جایست را می‌شود و به دست قاتل بر قتل می‌رسد. بقیه ماجرا کشمکش‌های درونی قاتل با وجدان و آندیشه‌های خود و ویرایی بی‌زبری با آدهای بر تریط با این موقعیت‌است.

دانسیفیکسی این رمان از زمینه‌های برای طرح پیچیده‌ترین مسائل انسانی در نسبت با اخلاق، چندی را می‌شود و به دست قاتل بر قتل می‌رسد. بقیه ماجرا کشمکش‌های درونی قاتل با وجدان و آندیشه‌های خود و ویرایی بی‌زبری با آدهای بر تریط با این موقعیت‌است.